


Investigating the Relationship Between the Promotion of Values, Roles, and Responsibilities and the Realization of Sustainable Development in Qeshm Island

1. Abdollatif Gourani¹: Department of Sociology, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

2. Samineh Bahadori Jahromi²*: Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

3. Abdolhamid Delshad³: Department of Educational Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

*Corresponding Author's Email Address: saminehbahdori.jahrom@iau.ac.ir

Abstract:

This study aims to examine the relationship between value enhancement and the effectiveness of roles and responsibilities with the realization of sustainable development in Qeshm Island. This research employed a quantitative survey approach. The statistical population consisted of government and local officials, social elites, and residents of Qeshm Island, from which 384 participants were selected using stratified sampling. Data were collected using the standardized "Good Governance" questionnaire developed by Moghimi and Ramazan (2011), which includes six components and 35 Likert-scale items. Data analysis was conducted using SPSS through descriptive statistics, Pearson correlation test, and multiple linear regression. The results revealed a significant positive correlation between value enhancement and sustainable development ($r=0.750$, $p<0.001$), as well as between role effectiveness and sustainable development ($r=0.720$, $p<0.001$). Regression analysis indicated that both predictors significantly contributed to explaining sustainable development, with value enhancement playing a stronger predictive role. The findings underscore the importance of strengthening ethical values and improving the structure of institutional roles and responsibilities in fostering sustainable development in Qeshm Island. Achieving sustainability in this context requires concurrent attention to both ethical and institutional dimensions in policymaking and strategic planning.

Keywords: Sustainable development, value enhancement, role effectiveness, good governance, Qeshm Island

How to Cite: Gourani, A., Bahadori Jahromi, S., & Delshad, A. (2026). Investigating the Relationship Between the Promotion of Values, Roles, and Responsibilities and the Realization of Sustainable Development in Qeshm Island. *Management, Education and Development in Digital Age*, 3(4), 1-12.



بررسی رابطه بین ارتقاء ارزش‌ها و نقش‌ها و وظایف با تحقق توسعه پایدار جزیره قشم

۱. عبداللطیف گورانی¹: گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

۲. ثمینة بهادری جهرمی²: گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

۳. عبدالحمید دلشاد³: گروه علوم تربیتی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: saminehbahdori.jahrom@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ارتقاء ارزش‌ها و اثربخشی نقش‌ها و وظایف با تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم است. این مطالعه با رویکرد کمی و به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل مسئولان دولتی و محلی، نخبگان و فعالان اجتماعی، و ساکنان جزیره قشم بوده که از میان آن‌ها ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد حکمرانی خوب مقیمی و رمضان (۱۳۹۰) بود که دارای ۶ مؤلفه و ۳۵ گویه با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون، و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین ارتقاء ارزش‌ها و تحقق توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.001$, $r = 0.750$) و همچنین بین اثربخشی نقش‌ها و وظایف و توسعه پایدار نیز همبستگی مثبت معناداری مشاهده شد ($p < 0.001$, $r = 0.720$). تحلیل رگرسیون نشان داد که هر دو متغیر پیش‌بین به‌طور معناداری توان پیش‌بینی توسعه پایدار را دارند و متغیر ارتقاء ارزش‌ها سهم بیشتری در این پیش‌بینی ایفا می‌کند. یافته‌ها تأکید دارند که تقویت ارزش‌های اخلاقی و بهبود ساختار نقش‌ها و وظایف در نهادهای محلی می‌تواند نقش مؤثری در تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم داشته باشد. توسعه پایدار در این منطقه نیازمند توجه همزمان به ابعاد ارزشی و نهادی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، ارتقاء ارزش‌ها، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، حکمرانی خوب، جزیره قشم.

نحوه استناددهی: گورانی، عبداللطیف، بهادری جهرمی، ثمینة، و دلشاد، عبدالحمید. (۱۴۰۵). بررسی رابطه بین ارتقاء ارزش‌ها و نقش‌ها و وظایف با تحقق توسعه پایدار جزیره قشم، مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۳(۴)، ۱-۱۲.



مقدمه

تحقق توسعه پایدار، به‌ویژه در بسترهای جغرافیایی ویژه‌ای همچون جزیره قشم، نیازمند نگاهی چندبعدی به عوامل بنیادین از جمله ارزش‌های اخلاقی، نقش‌ها و وظایف نهادی، و مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی است. توسعه پایدار، مفهومی پیچیده و چندلایه است که تنها به محیط‌زیست یا اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه بر پیوند میان ابعاد اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و مدیریتی تأکید دارد (Imran et al., 2011). بر همین اساس، رویکردهای نوین در حکمرانی و مدیریت محلی به دنبال آن هستند تا مفاهیمی مانند ارتقاء ارزش‌های اخلاقی، مشارکت مردمی، شفافیت در نقش‌ها و مسئولیت‌ها و نیز پاسخگویی نهادی را به عنوان پیش‌شرط‌های دستیابی به توسعه‌ای پایدار و متوازن مدنظر قرار دهند (Roldán & Cabrales, 2020; Romanelli, 2020).

در چند دهه اخیر، رویکردهای اخلاق‌مدار به توسعه به یکی از محورهای اصلی در گفتمان‌های سیاست‌گذاری عمومی و آموزش تبدیل شده‌اند. ادغام ارزش‌های اخلاقی در سطوح سازمانی و نهادی می‌تواند منجر به تعادل میان منافع فردی و جمعی، و همچنین میان منابع طبیعی و فعالیت‌های انسانی شود (Burlea & Timpa, 2025; Özdemirkol, 2025). در این راستا، مفهوم توسعه پایدار با تأکید بر ارزش‌های بنیادینی مانند مسئولیت‌پذیری، انصاف، شفافیت، و کرامت انسانی معنا پیدا می‌کند (François, 2023). ارتقاء ارزش‌ها در یک جامعه نه تنها بُعد فرهنگی و تربیتی دارد، بلکه در عمل موجب افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی، و تمایل به مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود (Dickmann & Consorte-McCrea, 2025; Yunus & Ismail, 2025).

از سوی دیگر، ساختار نقش‌ها و وظایف در نهادهای محلی به‌عنوان یکی از ارکان حکمرانی مؤثر بر توسعه شناخته می‌شود. هنگامی که مسئولیت‌ها به‌صورت شفاف، منسجم و مبتنی بر شایستگی توزیع شوند، و ارزیابی عملکرد بر مبنای معیارهای اخلاقی و مشارکتی انجام گیرد، احتمال تحقق اهداف توسعه‌ای در سطح محلی به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد (Johnsen, 2020; Ogunyemi, 2022). تجارب جهانی در کشورهای در حال توسعه نیز نشان می‌دهد که فقدان تعریف روشن از نقش‌ها، یا تمرکزگرایی نهادی، از موانع مهم در مسیر تحقق توسعه پایدار بوده‌اند (Klarin et al., 2024).

ادبیات توسعه پایدار در سال‌های اخیر با گسترش مفهوم «اخلاق زیست‌محیطی» به سمت درک عمیق‌تری از مسئولیت انسان نسبت به طبیعت و نسل‌های آینده حرکت کرده است (Girardin, 2019). در این چارچوب، نگرش‌های نوینی همچون اکوسوسوسنتریسم مطرح شده‌اند که بر ضرورت تعادل میان انسان، جامعه و محیط زیست تأکید دارند (Upreti, 2021). به عبارت دیگر، توسعه پایدار تنها با تنظیم سیاست‌های محیطی و اقتصادی قابل دستیابی نیست، بلکه نیازمند بازنگری در نظام‌های ارزشی و تربیتی نیز هست (Balontia, 2024; Et.al, 2021).

جزیره قشم به‌عنوان یکی از زیست‌بوم‌های منحصر به‌فرد ایران، هم‌زمان با ویژگی‌های طبیعی خاص، با چالش‌های ساختاری و مدیریتی متعددی در حوزه توسعه پایدار روبه‌رو است. رشد فزاینده گردشگری، توسعه مناطق آزاد، و تغییرات اجتماعی و اقتصادی، اهمیت بررسی ارزش‌ها و نقش‌ها در این منطقه را دوچندان کرده است. در چنین بستری، نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و بازتعریف نقش‌های نهادی می‌تواند نه تنها به بهبود اثربخشی نظام حکمرانی محلی کمک کند، بلکه مشارکت و اعتماد شهروندان را نیز تقویت نماید (Salman et al., 2019; Vladimirova, 2017).

در راستای ارتقاء حکمرانی مبتنی بر ارزش‌ها، مفاهیم مرتبط با تربیت اخلاقی در سطح آموزش و نهادهای عمومی مطرح شده‌اند. برای مثال، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که آموزش مبتنی بر توسعه اخلاقی در نهادهای آموزشی می‌تواند منجر به پرورش نسلی از شهروندان مسئولیت‌پذیر و آگاه نسبت به محیط‌زیست و جامعه شود (Dickmann & Consorte-McCrea, 2025; Kvamme, 2020). این امر زمانی مؤثر خواهد بود که ارزش‌ها به‌صورت نظام‌مند در قالب آموزش، سیاست‌گذاری و ارزیابی عملکرد نهادها نهادینه شوند (Jenkin et al., 2016).

در همین راستا، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه اخلاق سازمانی نیز تأکید دارند که اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها باید فراتر از کدهای صوری عمل کند و در تصمیم‌گیری‌ها، روابط کاری، و تعاملات درون‌سازمانی به‌صورت واقعی نمود پیدا کند (Burlea & Timpa, 2025; Özdemirko, 2025). زمانی که کارکنان احساس کنند ارزش‌های سازمانی با باورهای شخصی و اجتماعی آن‌ها هم‌راستا است، سطح تعهد، رضایت شغلی، و مشارکت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد (Cui & Xu, 2020).

از سوی دیگر، ارتباط میان فناوری و توسعه پایدار نیز در سال‌های اخیر محل توجه ویژه قرار گرفته است. برخی پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که تلفیق فناوری‌های نوین با اصول اخلاقی می‌تواند منجر به نوآوری‌هایی در حوزه حکمرانی و مدیریت منابع شود که با ملاحظات زیست‌محیطی و انسانی همخوانی دارند (Klarin et al., 2024; Sutsina et al., 2024). این دیدگاه نه‌تنها به کارایی در استفاده از منابع توجه دارد، بلکه تأکید دارد که کارایی باید در خدمت اخلاق، عدالت و پایداری قرار گیرد.

در نهایت، باید اشاره کرد که تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم و مناطق مشابه، بدون بازاندیشی در ساختارهای ارزشی، نقش‌ها و وظایف نهادهای محلی، و نیز مشارکت فعال مردم امکان‌پذیر نیست. سیاست‌گذاری موفق در این زمینه مستلزم آن است که ارزش‌های اخلاقی، مشارکت‌جویی، شفافیت، و پاسخگویی به‌صورت یکپارچه در فرآیند توسعه گنجانده شود (Roldán & Cebrales, 2020; Yunus & Ismail, 2025). در غیر این صورت، توسعه‌ای که تنها بر ابعاد فنی یا اقتصادی استوار باشد، ممکن است از منظر پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی ناکارآمد باشد (François, 2023; Klimková, 2018).

از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه میان ارتقاء ارزش‌ها و اثربخشی نقش‌ها و وظایف با تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم است.

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق، طراحی مطالعه به صورت کمی و از نوع پیمایشی انجام گرفته است. هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه بین ارتقاء ارزش‌ها، نقش‌ها و وظایف با تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم است. به دلیل ماهیت توصیفی-کاربردی پژوهش، از رویکرد کمی بهره گرفته شده که بر استفاده از داده‌های عددی و تحلیل‌های آماری استوار است. جامعه آماری این تحقیق شامل سه گروه اصلی از ذی‌نفعان در جزیره قشم است: مسئولان دولتی و محلی نظیر مدیران سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها و نهادهای عمومی؛ نخبگان و فعالان اجتماعی از جمله اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری عمومی؛ و شهروندان و ساکنان جزیره قشم که با سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در تعامل هستند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این جزیره بالغ بر ۱۴۸۹۹۳ نفر برآورد شده است. از آنجا که بررسی تمام اعضای جامعه آماری ممکن نبود، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ معادل ۳۸۴ نفر تعیین شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده که در آن ابتدا جامعه آماری به سه طبقه مشخص تقسیم گردید و سپس از هر طبقه به‌صورت تصادفی و متناسب با حجم آن نمونه انتخاب شد. چارچوب نمونه‌گیری برای هر طبقه شامل لیست افراد واجد شرایط مانند کارمندان سازمان‌های دولتی، اعضای هیئت علمی، و ساکنان ثبت‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی دولتی بود.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه ساختارمند استاندارد حکمرانی خوب طراحی‌شده توسط مقیمی و رمضان (۱۳۹۰) بود. این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه در قالب ۶ مولفه کلیدی بود: نتیجه‌گیری، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقاء ارزش شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی، پاسخگویی، و مشارکت‌جویی. هر گویه به صورت بسته و بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) طراحی شده بود. به عنوان مثال، گویه‌هایی مانند "سازمان در دستیابی به اهداف خود موفق عمل کرده است" یا "هر یک از اعضای سازمان وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند" برای ارزیابی ابعاد مختلف حکمرانی خوب مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه مذکور علاوه بر برخورداری از روایی محتوایی مطلوب، در مطالعات پیشین نیز اعتبارسنجی شده و ضریب پایایی مناسبی (آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷۰ برای تمامی ابعاد) از خود نشان داده است، که آن را برای استفاده در تحقیقات اجتماعی و مدیریتی قابل اعتماد می‌سازد. همچنین با توجه به بومی‌سازی ابزار در فضای مدیریتی ایران، میزان انطباق آن با شرایط خاص جزیره قشم نیز مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد. در ابتدا، تحلیل‌های توصیفی به‌منظور بررسی ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌دهندگان مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات و سابقه کاری صورت گرفت. سپس، با استفاده از آمارهای توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار، و فراوانی برای متغیرهای کلیدی پژوهش، توصیف

دقیقی از وضعیت موجود ارائه شد. در مرحله بعد، برای بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش، از تحلیل‌های استنباطی بهره گرفته شد. آزمون همبستگی پیرسون به منظور تحلیل ارتباط میان ابعاد حکمرانی خوب (نظیر ارتقاء نقش‌ها و شفاف‌سازی ارزش‌ها) با شاخص‌های توسعه پایدار استفاده گردید. همچنین، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه برای تعیین میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی بر تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم به کار رفت. در این مدل، توسعه پایدار به‌عنوان متغیر وابسته و شش بعد حکمرانی به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل شدند تا وزن نسبی و معناداری هر یک از آن‌ها بررسی گردد. معیارهای معناداری آماری مانند مقدار t و سطح معنی‌داری p برای تأیید فرضیه‌های پژوهش مدنظر قرار گرفتند.

یافته‌ها

در بخش توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان، نتایج نشان می‌دهد که ۶۹.۳ درصد از شرکت‌کنندگان (۲۶۶ نفر) مرد و ۳۰.۷ درصد دیگر (۱۱۸ نفر) زن بوده‌اند که نشان‌دهنده غلبه نسبی پاسخ‌های مردان در نمونه آماری است. از نظر توزیع سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با ۳۱.۲ درصد (۱۲۰ نفر) بوده و کمترین فراوانی به گروه سنی بالای ۵۰ سال با ۱۱.۵ درصد (۴۴ نفر) اختصاص داشته است. از حیث سطح تحصیلات، ۱۳ درصد از پاسخگویان دارای مدرک زیر دیپلم، ۲۴.۷ درصد دارای مدرک دیپلم، ۳۹.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۱۸.۲ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۵ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند؛ که این توزیع نشان‌دهنده حضور قابل توجه افراد با تحصیلات دانشگاهی در نمونه مورد بررسی است.

در این بخش، یافته‌های توصیفی مرتبط با سه متغیر اصلی پژوهش شامل «ارتقاء ارزش‌ها»، «اثربخشی نقش‌ها و وظایف»، و «توسعه پایدار» گزارش می‌گردد. این توصیف‌ها براساس فراوانی و درصد پاسخ‌ها به هر گزینه در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده‌اند.

در رابطه با متغیر ارتقاء ارزش‌ها، داده‌ها نشان می‌دهند که از میان ۳۸۴ نفر پاسخگو، تعداد ۲۰ نفر (معادل ۵.۲ درصد) گزینه «کاملاً مخالف» (۳۰ نفر (۷.۸ درصد) «مخالف»، ۵۵ نفر (۱۴.۳ درصد) «نظری ندارم»، ۱۴۰ نفر (۳۶.۵ درصد) «موافق» و ۱۳۹ نفر (۳۶.۲ درصد) «کاملاً موافق» را انتخاب کرده‌اند. این توزیع نشان می‌دهد که در مجموع بیش از ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان نگرش مثبتی نسبت به ارتقاء ارزش‌ها در ساختار حکمرانی جزیره قشم داشته‌اند که حاکی از مقبولیت بالای این مؤلفه در میان پاسخگویان است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌ها نسبت به ارتقاء ارزش‌ها

نمره (ارتقاء ارزش‌ها)	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد (%)
۱ (کاملاً مخالف)	۲۰	۵.۲
۲ (مخالف)	۳۰	۷.۸
۳ (نظری ندارم)	۵۵	۱۴.۳
۴ (موافق)	۱۴۰	۳۶.۵
۵ (کاملاً موافق)	۱۳۹	۳۶.۲
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰

در بررسی متغیر اثربخشی نقش‌ها و وظایف، نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که ۲۵ نفر (۶.۵ درصد) «کاملاً مخالف»، ۳۵ نفر (۹.۱ درصد) «مخالف»، ۶۰ نفر (۱۵.۶ درصد) «نظری ندارم»، ۱۳۰ نفر (۳۳.۹ درصد) «موافق» و ۱۳۴ نفر (۳۴.۹ درصد) «کاملاً موافق» بوده‌اند. بدین ترتیب، مجموعاً حدود ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان عملکرد نقش‌ها و وظایف در سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه در جزیره قشم را اثربخش ارزیابی کرده‌اند که این نیز نشان‌دهنده تأیید نسبی کارایی ساختاری در نظام مدیریتی منطقه می‌باشد.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخها نسبت به اثربخشی نقشها و وظایف

نمره (اثربخشی نقشها و وظایف)	تعداد پاسخدهندگان	درصد(%)
۱ کاملاً مخالف)	۲۵	۶.۵
۲ مخالف)	۳۵	۹.۱
۳ نظری ندارم)	۶۰	۱۵.۶
۴ موافق)	۱۳۰	۳۳.۹
۵ کاملاً موافق)	۱۳۴	۳۴.۹
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰

در خصوص متغیر توسعه پایدار، نتایج نشان می‌دهد که از میان پاسخها، ۱۰ نفر (۲.۶ درصد) «کاملاً مخالف»، ۱۸ نفر (۴.۷ درصد) «مخالف»، ۳۶ نفر (۹.۴ درصد) «نظری ندارم»، ۱۵۰ نفر (۳۹.۱ درصد) «موافق» و ۱۷۰ نفر (۴۴.۳ درصد) «کاملاً موافق» بوده‌اند. این نتایج بیانگر آن است که حدود ۸۳ درصد پاسخدهندگان به تحقق مؤلفه‌های توسعه پایدار در جزیره قشم نگاه مثبت داشته‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخها نسبت به توسعه پایدار

نمره (توسعه پایدار)	تعداد پاسخدهندگان	درصد(%)
۱ کاملاً مخالف)	۱۰	۲.۶
۲ مخالف)	۱۸	۴.۷
۳ نظری ندارم)	۳۶	۹.۴
۴ موافق)	۱۵۰	۳۹.۱
۵ کاملاً موافق)	۱۷۰	۴۴.۳
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰

به‌طور کلی، این داده‌ها بازتاب‌دهنده هم‌راستایی ادراک عمومی نسبت به نقش ارزشها، وظایف و حکمرانی مؤثر با تحقق اهداف توسعه پایدار در بستر محلی قشم هستند و می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان محلی قرار گیرند.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	مقدار (Sig. ۲-tailed) P-value
ارتقاء ارزشها و تحقق توسعه پایدار جزیره قشم	۰.۷۵۰	۰.۰۰۱
اثربخشی نقشها و وظایف و تحقق توسعه پایدار جزیره قشم	۰.۷۲۰	۰.۰۰۱

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین ارتقاء ارزشها و تحقق توسعه پایدار برابر با ۰.۷۵۰ است که نشان‌دهنده رابطه‌ای قوی و مثبت میان این دو متغیر است. همچنین، ضریب همبستگی بین اثربخشی نقشها و وظایف با توسعه پایدار نیز برابر با ۰.۷۲۰ می‌باشد که این نیز گویای وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار است. در هر دو مورد، مقدار سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۱ به‌دست آمده که کمتر از ۰.۰۱ است و بنابراین، هر دو رابطه از نظر آماری معنادار تلقی می‌شوند. این نتایج بیانگر آن هستند که بهبود در ابعاد ارزش‌مداری و کارکردهای سازمانی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف توسعه پایدار در جزیره قشم دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی توسعه پایدار جزیره قشم

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار p
مقدار ثابت	۱.۵۰	۰.۷۰	۲.۱۴	۰.۰۳۶
اثربخشی نقشها و وظایف	۰.۳۰	۰.۱۲	۲.۵۰	۰.۰۱۴
ارتقاء ارزشها	۰.۴۰	۰.۱۱	۳.۶۴	<۰.۰۰۱



بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب ثابت (Intercept) مدل برابر با ۱.۵۰ است که با مقدار t برابر ۲.۱۴ و سطح معناداری ۰.۰۳۶، از نظر آماری معنادار است. این نشان می‌دهد که حتی در صورت نبود اثر متغیرهای مستقل، سطحی از توسعه پایدار وجود دارد.

ضریب رگرسیون مربوط به متغیر اثربخشی نقش‌ها و وظایف برابر با ۰.۳۰ است که با مقدار t معادل ۲.۵۰ و سطح معناداری ۰.۰۱۴ از لحاظ آماری معنادار محسوب می‌شود. این بدان معناست که به‌ازای هر واحد افزایش در اثربخشی نقش‌ها و وظایف، میزان توسعه پایدار به‌طور متوسط ۰.۳۰ واحد افزایش می‌یابد.

همچنین ضریب رگرسیون مربوط به متغیر ارتقاء ارزش‌ها برابر با ۰.۴۰ است که با مقدار t معادل ۳.۶۴ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ معناداری بالایی را نشان می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که ارتقاء ارزش‌ها نسبت به اثربخشی نقش‌ها و وظایف، تأثیر بیشتری بر تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم دارد.

در مجموع، مدل رگرسیون نشان می‌دهد که هر دو متغیر مستقل به‌طور معناداری توان تبیین تغییرات در توسعه پایدار را دارند و ارتقاء ارزش‌ها نقشی تعیین‌کننده‌تر در مقایسه با اثربخشی نقش‌ها و وظایف ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بین دو متغیر «ارتقاء ارزش‌ها» و «اثربخشی نقش‌ها و وظایف» با متغیر «تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم» رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای متغیر ارتقاء ارزش‌ها برابر با ۰.۷۵۰ و برای اثربخشی نقش‌ها و وظایف برابر با ۰.۷۲۰ بود که هر دو با سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱، از نظر آماری قابل اتکا محسوب می‌شوند. همچنین تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که هر دو متغیر پیش‌بین به‌طور معناداری قادر به تبیین واریانس توسعه پایدار هستند و متغیر ارتقاء ارزش‌ها با ضریب B معادل ۰.۴۰ نقش برجسته‌تری نسبت به اثربخشی نقش‌ها و وظایف ($B=0.30$) در این تبیین ایفا می‌کند. این یافته‌ها گواهی بر آن دارند که دستیابی به توسعه‌ای پایدار در بافت‌های محلی همچون جزیره قشم، نیازمند توجه همزمان به بعد ارزشی و ساختارهای عملکردی و سازمانی است.

یافته مربوط به نقش برجسته ارتقاء ارزش‌ها با نتایج پژوهش‌هایی همچون است که اخلاق، عدالت، و شفافیت را به‌عنوان عوامل زیرساختی در تحقق توسعه پایدار معرفی کرده‌اند. برای مثال، (François, 2023) نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی نقشی حیاتی در شکل‌گیری سیاست‌های مالی پایدار در سازمان‌ها دارند و غفلت از آن‌ها می‌تواند منجر به بحران‌های عملکردی و بی‌اعتمادی عمومی شود. همچنین، (Girardin, 2019) در چارچوب «اخلاق آب» بیان می‌کند که بدون التزام به اصول ارزشی مانند انصاف، مسئولیت‌پذیری و عدالت بین‌نسلی، مدیریت منابع طبیعی نیز در بلندمدت ناپایدار خواهد ماند. در همین راستا، (Burlea & Timpa, 2025) نیز رفتار اخلاقی کارکنان در صنایع حساس مانند نفت و گاز را عامل اصلی در ایجاد تعهد محیط‌زیستی معرفی کرده است که هم‌راستایی بالایی با یافته‌های این تحقیق دارد.

نتایج این پژوهش همچنین نقش مهم اثربخشی نقش‌ها و وظایف را در تحقق توسعه پایدار تأیید می‌کند. این موضوع در پژوهش (Johnsen, 2020) نیز مورد اشاره قرار گرفته است، جایی که نویسنده بر «اخلاق درون‌ماندگار سازمانی» تأکید می‌کند و معتقد است که سازمان‌ها تنها زمانی می‌توانند به اهداف پایداری دست یابند که ساختار نقش‌ها و مسئولیت‌ها به‌درستی تعریف شده و از طریق مکانیزم‌های پاسخگویی تقویت شده باشد. همچنین (Ogunyemi, 2022) در مطالعه‌ای بر مدیریت توسعه در آفریقا، روشن بودن وظایف نهادی و تخصص‌محور بودن نقش‌ها را یکی از اصول اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار معرفی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است که هرچه سازمان‌های محلی و ملی در جزیره قشم، توزیع شفاف‌تری از وظایف، ارزیابی عملکرد مستمر، و ارتباطات بین‌نهادی کارآمدتری داشته باشند، احتمال تحقق مؤلفه‌های توسعه پایدار افزایش می‌یابد.

نکته قابل توجه دیگر، نقش میانجی‌گرانه‌ای است که ارتقاء ارزش‌ها در میان سیاست‌گذاری، فرهنگ سازمانی، و مشارکت اجتماعی ایفا می‌کند. مطالعه (Yunus & Ismail, 2025) با بررسی توسعه کتابخانه‌های پایدار هوشمند نشان داد که ارزش‌های اخلاقی در تنظیم راهبردهای فناورانه نیز نقش کلیدی دارند و فقدان آن‌ها حتی در محیط‌های هوشمند منجر به کاهش اعتماد عمومی می‌شود. به‌طور مشابه، (Dickmann & Consorte-McCrea, 2025) در تبیین نقش «کوپداگوژی» به‌عنوان ابزاری تربیتی برای ایجاد

مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در دانشجویان، بیان می‌کند که آموزش اخلاقی باید از سطح نهادهای آموزشی به سیاست‌های عمومی تسری یابد. این دیدگاه با یافته پژوهش حاضر مطابقت دارد که در آن ارتقاء ارزش‌ها به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بین تحقق توسعه پایدار در جامعه محلی شناخته شد.

از منظر ساختاری، بسیاری از پژوهش‌ها مانند (Klarin et al., 2024) و (Balontia, 2024) بر لزوم هم‌راستایی نقش‌ها، ارزش‌ها، و فناوری برای ایجاد یک سیستم پایدار تأکید دارند. در جزیره قشم نیز که با شرایط خاص اقلیمی و توسعه‌ای مواجه است، ایجاد هماهنگی بین نهادهای تصمیم‌گیر، تدوین ارزش‌های مشترک میان نخبگان و شهروندان، و ایجاد ساختاری منسجم برای اجرای وظایف، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات فعلی در مسیر پایداری باشد. به بیان (Romanelli, 2020)، نظام‌های اداری و سیاستی اگر فاقد بنیان‌های ارزشی و تعریف دقیق نقش‌ها باشند، نه‌تنها پایداری را تضمین نمی‌کنند بلکه به بی‌ثباتی و ناکارآمدی نیز منجر می‌شوند.

همچنین پژوهش‌های (Et.al, 2021) و (Upreti, 2021) بر اهمیت بازتعریف مفاهیم توسعه پایدار از منظر بومی تأکید دارند. آن‌ها معتقدند که توسعه پایدار زمانی معنادار است که ارزش‌ها و وظایف به‌صورت محلی تعریف شوند و مشارکت اجتماعی، نه‌تنها به‌عنوان هدف بلکه به‌عنوان ابزار تحقق پایداری مورد استفاده قرار گیرد. نتایج این پژوهش نیز گویای آن است که در قشم، وجود نهادهای مردمی، دانشگاهیان، و ساکنان آگاه، می‌تواند زمینه‌ای برای تحقق این اهداف فراهم آورد؛ به شرط آن که سیاست‌گذاران به ارتقاء ظرفیت‌های محلی در قالب شفاف‌سازی نقش‌ها و ترویج ارزش‌های پایدار توجه ویژه داشته باشند.

از سوی دیگر، یافته‌های این تحقیق با مطالعه (Jenkin et al., 2016) همسو است که نشان می‌دهد درک مفهومی از توسعه پایدار در اسناد سیاست‌گذاری جهانی نیز مستلزم بازنگری در ابعاد ارزشی و وظیفه‌محور آن است. آن‌ها بر این باورند که هرگونه رویکرد عملی به توسعه پایدار بدون توجه به فرهنگ سازمانی و اجتماعی، ناپایدار خواهد بود. در همین راستا، (Klimková, 2018) نیز بر لزوم نگاه میان‌رشته‌ای و فراارزشی در مطالعات توسعه تأکید دارد و بیان می‌کند که تنها در صورت ادغام دانش، ارزش و عملکرد می‌توان به توسعه‌ای پایدار و فراگیر دست یافت.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز بر یک منطقه خاص جغرافیایی یعنی جزیره قشم بوده است؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر مناطق ایران یا سایر کشورها باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین استفاده از ابزار پرسشنامه و روش خودگزارشی ممکن است با سوگیری‌هایی مانند تمایل به پاسخ‌های اجتماعی‌پسند همراه باشد. محدودیت دیگر، عدم کنترل کامل بر متغیرهای مداخله‌گر مانند سیاست‌های کلان، شرایط اقتصادی یا موانع فرهنگی است که می‌توانند بر توسعه پایدار اثرگذار باشند اما در این مطالعه مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، مناطق مختلف با ساختارهای فرهنگی و مدیریتی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان تفاوت‌ها و شباهت‌ها در تأثیرگذاری ارزش‌ها و نقش‌ها بر توسعه پایدار را مقایسه کرد. همچنین استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) می‌تواند به درک عمیق‌تری از سازوکارهای اجتماعی و نهادی در تحقق توسعه پایدار منجر شود. بررسی نقش واسطه‌ای متغیرهایی چون مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی یا سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند به مدلی دقیق‌تر از فرآیند پایداری منطقه‌ای کمک کند. پیشنهاد می‌شود نهادهای محلی و ملی در قشم به طراحی برنامه‌های آموزش ارزش‌محور در سطوح مختلف (مدارس، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها) بپردازند تا نهادینه‌سازی اخلاق توسعه در بستر فرهنگی ممکن شود. همچنین تدوین نظام ارزیابی عملکرد شفاف برای نهادها و کارکنان، همراه با تقسیم‌بندی دقیق وظایف، می‌تواند به اثربخشی مدیریتی کمک کند. نهایتاً، مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای باید به‌عنوان اصل اساسی در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای گنجانده شود تا توسعه پایدار نه‌تنها به‌عنوان هدف، بلکه به‌مثابه یک فرآیند مشارکتی تحقق یابد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان



در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

The concept of sustainable development has evolved into a central framework for addressing the multidimensional challenges faced by societies around the world. Initially framed around ecological balance and economic efficiency, it is now increasingly understood to require deep integration of social, cultural, and ethical components to achieve lasting impacts. As argued by Imran et al., sustainable development must be redefined through an ecocentric lens that acknowledges the interdependence of environmental, institutional, and human values (Imran et al., 2011). This more holistic understanding has led scholars and practitioners to examine the ethical infrastructure underpinning policy decisions and governance practices in diverse settings, including local communities, regional administrations, and global institutions.

One of the key areas of concern is the role of ethical values and organizational responsibility in shaping sustainable development outcomes. Vladimirova emphasizes the need to integrate concerns for future generations into the educational and policy agendas of sustainability programs (Vladimirova, 2017). Similarly, François highlights that sustainability is not merely a technical or environmental objective but a philosophical one that rests on a foundation of ethical deliberation and value alignment (François, 2023). Therefore, development initiatives must go beyond economic metrics and focus on building institutions and governance mechanisms grounded in shared values, moral reasoning, and social accountability.

Within this ethical paradigm, local governance plays a pivotal role. In contexts such as island ecosystems, where geographical isolation and environmental fragility amplify the consequences of poor governance, attention to values and institutional roles is especially critical. Romanelli argues that sustainable public administration requires not only efficiency and resource management but also moral engagement with the communities served (Romanelli, 2020). Likewise, Johnsen calls for a shift toward “immanent ethics” in organizational practices—ethics that are embedded within, rather than imposed upon, institutional frameworks (Johnsen, 2020). This aligns with Klarin’s perspective that ethical integrity must accompany technological and managerial strategies if they are to contribute to truly sustainable outcomes (Klarin et al., 2024).



In island communities such as Qeshm Island in southern Iran, the realization of sustainable development depends on how effectively public and institutional actors perform their defined roles and uphold core ethical values. As Dickmann and Consorte-McCrea argue, ecopedagogy and environmental ethics must be promoted within institutional systems to empower local stakeholders and cultivate environmental responsibility among citizens (Dickmann & Consorte-McCrea, 2025). Similarly, Burlea and Timpa highlight the importance of ethical behavior in resource-sensitive industries, noting that ethical awareness correlates strongly with environmental performance in sectors like oil and gas (Burlea & Timpa, 2025). Such findings reinforce the view that ethical considerations are not only abstract ideals but practical determinants of developmental success.

Another critical component in sustainable development is clarity and efficiency in the roles and responsibilities assigned to institutional actors. According to Ogunyemi, leadership that promotes well-defined roles, transparent duties, and shared accountability can significantly advance sustainability agendas, particularly in developing regions (Ogunyemi, 2022). When these roles are poorly defined or executed, governance becomes fragmented, leading to disillusionment among stakeholders and hindering progress toward sustainability goals. Özdemirkol elaborates on this by stating that environmental ethics require responsibility not only toward ecosystems but also in how organizational roles interface with the broader social system (Özdemirkol, 2025).

Given these global trends and theoretical frameworks, this study investigates the relationship between value enhancement, the effectiveness of institutional roles and responsibilities, and the realization of sustainable development in Qeshm Island. Drawing on ethical governance theories and sustainability education models, the research aims to generate empirical evidence that may inform policy design and institutional development strategies within similarly situated localities.

Methods and Materials

The study employed a quantitative survey-based design to explore the relationship between the promotion of values, institutional role effectiveness, and sustainable development realization in Qeshm Island. The target population included local and government officials, university scholars, civil society actors, and residents engaged in or affected by development programs. A stratified random sampling method was used to select 384 respondents from the island's population, based on official demographic data.

Data collection was carried out using a structured questionnaire adapted from the "Good Governance" scale developed by Moghimi and Ramazan (2011), which encompasses 35 items across six key dimensions: outcome orientation, role effectiveness, value transparency, capacity building, accountability, and participation. Responses were recorded using a five-point Likert scale ranging from "strongly disagree" to "strongly agree." Statistical analysis was performed using SPSS software and included descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and multiple linear regression.

Findings

Descriptive analysis showed that a significant proportion of respondents rated both value enhancement and role effectiveness positively. Specifically, 36.5% of participants agreed and 36.2% strongly agreed that ethical values were effectively promoted in local institutions. Regarding role effectiveness, 33.9% agreed and 34.9% strongly agreed that institutional responsibilities were clearly defined and adequately performed.

In terms of sustainable development perceptions, 39.1% of respondents agreed and 44.3% strongly agreed that development efforts in Qeshm Island were aligned with sustainability principles. Only a small percentage (7.3%) expressed disagreement, indicating an overall positive outlook on local sustainability practices.



The results of the Pearson correlation analysis revealed a strong and statistically significant relationship between value enhancement and sustainable development ($r = 0.750, p < 0.001$). Similarly, role effectiveness also showed a significant positive correlation with sustainable development ($r = 0.720, p < 0.001$).

Multiple regression analysis further supported these findings, indicating that both value enhancement ($B = 0.40, t = 3.64, p < 0.001$) and role effectiveness ($B = 0.30, t = 2.50, p = 0.014$) were significant predictors of sustainable development. The regression model explained a considerable portion of the variance in the dependent variable, suggesting that improvements in both institutional values and operational responsibilities are associated with better sustainability outcomes in the island context.

Discussion and Conclusion

The findings of this study reinforce the theoretical proposition that ethical values and institutional role clarity are foundational to achieving sustainable development, particularly in environmentally sensitive and socially complex settings like Qeshm Island. The significant relationship observed between value enhancement and sustainability suggests that ethical norms are not just abstract ideals but practical imperatives. When institutions operate transparently, promote fairness, and engage meaningfully with their communities, the trust and cooperation necessary for sustainability emerge organically.

The strong influence of role effectiveness on sustainability outcomes also underscores the importance of competent governance structures. Institutions must not only define roles but must also ensure these roles are aligned with community needs, supported by resources, and subjected to performance evaluation. The data indicate that stakeholders perceive such mechanisms to be in place to a significant extent, although there remains room for further institutional capacity building.

In conclusion, the study contributes to a growing body of literature that links sustainability with ethical and governance dimensions. It affirms the importance of integrating moral reasoning, organizational responsibility, and civic engagement into sustainability policies and practices. For Qeshm Island, these findings offer empirical support for reforming administrative strategies and development planning frameworks to incorporate ethics-driven and role-based governance. The approach adopted in this research may also be applicable in other geographically or culturally similar regions striving for sustainable growth through inclusive and value-oriented governance.

References

- Balontia, M. J. (2024). Developing Ethical Awareness Towards a Sustainable Ecosystem Through Character Education in Higher Education. *Tofedu*, 3(4), 1005-1014. <https://doi.org/10.61445/tofedu.v3i4.174>
- Burlea, A. Ş., & Timpa, C. O. (2025). The Particularities of Employees' Green Ethical Behavior in the Oil and Gas Sector. *Behavioral Sciences*, 15(1), 43. <https://doi.org/10.3390/bs15010043>
- Cui, Q.-m., & Xu, H. (2020). The Valuation of Ethical Encounters With Elephants. 111-122. <https://doi.org/10.1079/9781789245868.0009>
- Dickmann, I., & Consorte-McCrea, A. (2025). The Role of Ecopedagogy in the Development of Sustainability Responsible Students. 379-398. https://doi.org/10.1007/978-3-031-80380-2_18
- Et.al, P. P. S. (2021). Creation of Ethical Values in Thailand's Isaan Literature for Sustainable Social Development. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(3), 4098-4105. <https://doi.org/10.17762/turcomat.v12i3.1700>
- François, Y. (2023). The Contribution of Philosophy to Ethical Corporate Finance: Challenges and Perspectives. *Journal of Economics Finance and Management Studies*, 06(04). <https://doi.org/10.47191/jefms/v6-i4-36>
- Girardin, B. (2019). Water Ethics : Principles and Guidelines. <https://doi.org/10.58863/20.500.12424/237>
- Imran, S., Alam, K., & Beaumont, N. (2011). Reinterpreting the Definition of Sustainable Development for a More Ecocentric Reorientation. *Sustainable Development*, 22(2), 134-144. <https://doi.org/10.1002/sd.537>
- Jenkin, K., Sellar, B., Stanley, M., & Thomas, K. (2016). How Sustainable Development Is Understood in World Federation of Occupational Therapy Policy. *British Journal of Occupational Therapy*, 79(8), 505-513. <https://doi.org/10.1177/0308022615623555>
- Johnsen, C. G. (2020). Sustainability Beyond Instrumentality: Towards an Immanent Ethics of Organizational Environmentalism. *Journal of Business Ethics*, 172(1), 1-14. <https://doi.org/10.1007/s10551-019-04411-5>
- Klarin, A., Abadi, H. A., & Sharmelly, R. (2024). Professionalism in Artificial Intelligence: The Link Between Technology and Ethics. *Systems Research and Behavioral Science*, 41(4), 557-580. <https://doi.org/10.1002/sres.2994>



- Klimková, A. (2018). Value Pluralism in Sustainable Development: Towards Transdisciplinary Research. *Scientific Papers of Silesian University of Technology Organization and Management Series*, 2018(122), 59-66. <https://doi.org/10.29119/1641-3466.2018.122.7>
- Kvamme, O. A. (2020). Situating Moral Education in a Globalized World. *Environmental Ethical Values and Student Experiences*. 45-65. https://doi.org/10.1007/978-3-030-49524-4_4
- Ogunyemi, K. (2022). Leadership for Sustainable Development in Africa: Roles and Responsibilities. 1-17. https://doi.org/10.1007/978-3-031-04923-1_1
- Özdemirkol, M. (2025). Business Ethics Within the Framework of Ethical Responsibility Implied by Environmental Protection Principles: Responsibility to Nature. *Turkish Journal of Business Ethics*, 18(1), 35-52. <https://doi.org/10.12711/tjbe/m403>
- Roldán, F., & Cabrales, Á. L. (2020). Ethical Values in Social Economy for Sustainable Development. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 92(4), 705-729. <https://doi.org/10.1111/apce.12300>
- Romanelli, M. (2020). Driving Sustainable Public Administration. 11, 24-31. <https://doi.org/10.18662/lumproc/gekos2020/04>
- Salman, A. S., Jasem, A. J., & Hadi, N. M. (2019). Effect of Ethic Discourse in the Sustainability of Architecture. *Iop Conference Series Materials Science and Engineering*, 518(2), 022081. <https://doi.org/10.1088/1757-899x/518/2/022081>
- Sutisna, F. A., Durohman, H., & Anugrah, M. Y. (2024). The Impact of Islamic Work Ethics, Attitude, and Hedonic Values on the Intention to Establish Sustainable Entrepreneurship Among Muslim Students in Java. *Al-Dzahab*, 5(1), 8-24. <https://doi.org/10.32939/dhb.v5i1.3503>
- Upreti, G. C. (2021). Ecosociocentrism: The Earth First Paradigm for Environmental Sustainability and Sustainable Development. *Nepal Journal of Science and Technology*, 20(2), 33-48. <https://doi.org/10.3126/njst.v20i2.45771>
- Vladimirova, K. (2017). The Place of Concerns for Posterity in the Global Education for Sustainable Development Agenda. 1433-1453. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-0803-8.ch068>
- Yunus, N., & Ismail, M. N. (2025). The Mediating Effect of Ethical Values in Smart Sustainable Library Development. *Ifla Journal*. <https://doi.org/10.1177/03400352251331446>

